



قانون

{قانون اساسی افغانستان}

اگر حقیقت را بگویم کجا اکثریت مردم افغانستان به قانون اساسی علاقمندی و دلچسپی دارند که به تعریف آن داشته باشند. اکثریت آنها قانون اساسی کشور شانرا حتی یکبار هم مطالعه نکرده اند.

اما حال بعد از گذشتاندن دوره های بی قانونی، خود سری و دوره قانون شکنی، مردم افغانستان بخوبی دریافته اند تا زمانی که حاکمیت قانون در کشور تحکیم نیابد، نه امنیت تأمین خواهد شد و نه هم کشور از بحران و نا امنی رهایی خواهد یافت و نه هم در وضعیت زندگی مردم بهبودی رونما خواهد گشت.

قانون در اصل کلمه ای یونانی است که به معنی قاعده بکار رفته و بعداً به زبان عربی داخل شده و از عربی به زبان دری راه یافته است. قانون در لغت به معنی اصل و مقیاس چیزی را گویند. معادل واژه قانون در زبان انگلیسی Law و در زبان یونانی canon میباشد که معنی روش و قاعده را افاده میکند. در زبان لاتینی، مقیاس و اندازه گیری را گویند. در زبان های انگلوساکسون، قاعده و عصا نامیده میشود.

قانون از نظر علمای حقوق تعاریف متنوعی دارد که چند تعریف آن بیشتر معمول است، یکی آن تعریفی است که در قانون اساسی افغانستان آمده و بیانگر تعریف شکلی قانون است.

قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح ریس جمهور رسیده باشد. (ماده 94 قانون اساسی) دیگر تعریف اکادمیک علما یا تعریف ماهوی قانون است. به عنوان مثال قانون تجویز صریح و معقولی است که از طرف مقامات حاکمه به منظور تنظیم روابط اجتماع اتخاذ و تطبیق آن با اجبار صورت می گیرد.

قانون اساسی متشکل از مجموعه دساتیر، قواعد و اصول کلی است که شکل حکومت، وظایف، روابط و اختیارات قوای سه گانه کشور و حقوق و آزادی های اتباع را در مقابل دولت مشخص می نماید، بنابر این قانون اساسی است که از یکسو حد و مرز آزادی فرد در مقابل عملکرد های نهاد های فرمانروایی را معین می نماید و از سوی دیگر اعمال قوای عمومی را در بر خورد با حوزه حقوق فردی ترسیم و مشخص می نماید.

بعباره دیگر قانون اساسی، مجموعه قواعد و مقرراتی است که تنظیم قدرت، روابط سیاسی دولت و اتباع (فرمانده و فرمانبر) را احتوا می نماید.

قانون اساسی هر کشور محور اصلی نظام سیاسی کشور و انتظام بخش همه شئون حکومت و تعیین کننده روابط اصلی قوای عالییه جامعه در نهایت آزادی و حرمت انسانی است.

قانون اساسی حقوق افراد را تضمین نموده و در واقع عدالت اجتماعی و سیاسی را بر قرار می سازد.

قانون اساسی اولین وسیله ای است که چهره قانونی یک کشور را معرفی می نماید.

اجرای دقیق قانون اساسی از خود سری ها و خود کامگی ها جلوگیری می نماید.

قانون اساسی برنامه و پلان طولی المدت سیاسی و حقوقی را عرضه میکند. قانون اساسی مافوق سایر قوانین است.

قانون اساسی دارای مشخصات ذیل میباشد که اگر یکی از مشخصات آن موجود نباشد، قانون اساسی، کامل پنداشته نمیشود:

- 1- کلی بودن : قانون اساسی نباید وارد جزئیات گردد زیرا تفصیل مسا نیل از طریق قوانین عادی صورت می گیرد.
- 2- اتکاء به اصول حقوقی : قانون اساسی باید متکی به اصول حقوقی پذیرفته شده باشد منظور از اصول حقوقی در واقع همان اصول معقول و منطقی است که با طبیعت اتباع همان جامعه معین سازگار بوده و کسی نتواند در مخالفت با آن استدلال درستی را ارایه نماید.
- 3- مطابقت با مبانی فکری جامعه : قانون اساسی باید با تفکر سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، و سوابق تاریخی و اجتماعی و بطور کلی با فرهنگ و ارزش های یک جامعه مطابقت داشته باشد.
- قانون اساسی که در مغایرت با مبانی فکری جامعه وضع گردد، نمی تواند استمرار داشته باشد. یکتعداد از کشور های جهان دچار بحران قانون اساسی بوده اند که دلیل عمده آن تقلیدی بودن قانون اساسی آن ها شناخته شده است .
- 4- قابلیت اجرا : قانون اساسی زمانی میتواند از اعتبار بیشتر بر خوردار باشد که تمام اصول آن قابل اجرا باشد.
- 5- وضاحت و قاطعیت: اصول قانون اساسی باید قاطع، واضح، روشن و بدون ابهام باشد. قانون اساسی که از ابتدا راه تفسیر، تعبیر و نتیجه گیری دو پهلو را باز گذارد معیوب پنداشته می شود و در دراز مدت خود مبانی برای ایجاد اختلافات عمیق می گردد.
- افغانستان از مدت تقریباً 92 سال بدینسو قانون اساسی داشته است. یعنی اولین قانون اساسی افغانستان تحت عنوان نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان در زمان امیر امان الله خان در سال 1302 تدوین و در لویه جرگه در جلال آباد در 20 حمل سال 1303 به تصویب رسید.

این قانون دارای ده فصل و 73 ماده بود. قانون اساسی فعلی که هشتمین قانون اساسی کشور میباشد، تحت عنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در لویه جرگه سال 1382 که به تاریخ 23 قوس آغاز و 14 جدی خاتمه یافت، به تصویب رسید و به تاریخ 6 دلو همین سال نافذ گردید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان دارای 12 فصل و 162 ماده است.

با وجود سابقه 92 ساله قانون اساسی در افغانستان، هنوز هم حاکمیت قانون در کشور تأمین نگردیده است.

این حقیقت مسلم خود بیانگر جایگاه قانون اساسی در افغانستان و درجه علاقمندی به آن در جامعه افغانی بوده است.

علاقمندی به قانون ازین امر منشأ میگردد که چقدر به آن قانون ضرورت احساس میشود، یعنی کدام دردی را دوا خواهد کرد و تا کدام اندازه با مبانی فکری جامعه سازگار است.

هرگاه در حل مسایل حقوقی به قانون مراجعه نشود و قانون صرف به روی کاغذ قرار داشته باشد اصلاً آن کشور فاقد قانون اساسی است ولو از لحاظ شکلی سندی بنام قانون اساسی وجود داشته باشد.

گردآورنده مطلب طوبا هاشمی

